نقد و بررسی علل و پیامدهای برخی از گستره های یک جانبه نگری

محمدکاظم نیک مرام[[1]](#footnote-1)

**چکیده:**

یک جانبه نگری که گاه در پیراهن های خود برتر بینی و خود رأیی و خود محوری متجلی می شود، تک نگری به پدیده ها یا مسائلی است که دارای اجزاء و جوانب مختلف است که یکی از علل اصلی یک جانبه گرایی و اختلافات علمی و به ویژه اختلافات سیاسی و داوری های ما است. تقابل آن با چند جانبه نگری از نوع عدم و ملکه است، بدین جهت در توحید به معنای اعتقاد به یکتایی خدا موضوعیت نمی یابد، هر چند در زبان عامیانه توحید نظری یک جانبه نگری و توحید عملی یک جانبه گرایی است. از آنجا که یک جانبه نگری و چند جانبه نگری مفاهیمی نسبی اند تعیین مرز دقیق آنها به آسانی میسر نیست. از عوامل یک جانبه نگری، می توان اعتقاد به کفایت ابزار معرفتی و سطحی نگری و شناخت علت ناقصه بجای علت تامه را نام برد. یکی از نمودهای آن در برابر خداوند تفسیر به رای در تفسیر قرآن است. اما لازمۀ تفسیر قرآن به قرآن یک جانبه نگری نیست. از آنجا که عقل انسان یکی از حجت های الهی و امر به شور و مشورت، دعوت در به کارگیری عقول افراد مختلف درتصمیم گیریها ست، دلیل بر اولویت دادن خرد جمعی بر خرد فردی از طرف خداوند و تأیید چند جانبه نگری است. یکی از پیامدهای یک جانبه نگری، یک جانبه گرایی، خصوصاً در مسئلۀ کروناست.

**کلید واژه ها:**

1- یک جانبه نگری 2- چندجانبه نگری 3- یک جانبه گرایی 4- چند جانبه گرایی 5- کرونا 6- تفسیر به رأی 7- خودرأیی

**طرح مسئله:**

یکی از مسائل بزرگ عصر ما که می توان آن را ریشۀ بسیاری از مشکلات دانست، یک جانبه نگری یا یکسو نگری است. مثلا در دنیای سیاست، طرفداران یک حزب در هنگام داوری در مورد حزب مقابل خود همۀ کارهای حزب مقابل خود را سیاه وهمۀ کارهای حزب خود را سفید می ببینند؛ گاه شده یک اقدام حزب مقابل را شدیداً محکوم و انجام همان اقدام را از طرف حزب خود معجزه نامیده اند. این نگرش یک جانبه اقدام یک جانبه را در پی داشته، به ویژه پس از روی کارآمدن ترامپ در ایالات متحده آمریکا به علت یک جانبه گرایی های او در دنیای سیاست، اقتصاد، فرهنگ، نژاد و... مسئله ای تحت عنوان یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه ‌گرایی در دنیای سیاست مطرح شد. البته بیشتر کشورها حتی یاران اروپایی ترامپ سیاست یک‌ جانبه‌گرایی او را محکوم و از چندجانبه‌گرایی دفاع کردند. علت اصلی این محکومیت ها به جهت نتایج زیارنبار آن‌بود. زیرا هرچند دولتهای مختلف آمریکا در چند جانبه گرایی خودهم خسارات زیادی به ملت های محروم می زدند ولی با اینیک‌جانبه‌گرایی ها که یکی از مصادیق مهم زیانبار آن لغو قراردادهای بین المللی توسط دولت ترامپ بود راه را برای وارد کردن خسارات خیلی بیشتر به ملتهای دیگر فراهم میکرد.

از آنجا که مبارزه با یک پدیدۀ ناهنجار فردییا اجتماعی بدون شناخت گستره و علل و پیامدهای آن، بسیار سخت و پرهزینه و بی نتیجهیا کم نتیجه و در مواردی ناممکن است، شناخت گستره و اسباب و علل و پیامدهای آن بسیار ضروری به نظر می رسد. بر همین اساس در این مقاله تلاشی صورت گرفته تاگستره و اسباب و علل این مسئله تا حدودی روشن شود و از آنجا که ممکن است برخی در تأییدیک جانبه نگری خود به اصل توحید متمسک شوند و آگاهانه یا ناآگاهانه پشت دین سنگر بگیرند، ضمن بیان ارتباط یک جانبه نگری با یک جانبه گرایی، بیان ارتباط یک جانبه نگری با اصل توحید هم در قالب پرسشهای زیر تبیین شود:

1- تعریف یک‌ جانبه ‌نگری و یک جانبه گرایی و توحید چیست؟

2- واژه هایمشابه یا نزدیک به یک جانبه نگری چیست؟

3- واژه های یک‌ جانبه ‌نگری و یک جانبه گرایی با چه واژه هایی متقابل هستند؟ واین تقابل از چه نوعی است؟

4- اشکال مختلف یک جانبه نگری در معرفت شناسی چیست؟

5-یک جانبه نگری و چند جانبه نگری در چه مواردی موضوعیت پیدا می کند؟

6- مصداق یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی در برابر خداوند چیست؟

7- علل و عوامل یک ‌جانبه ‌نگری و پیامدهای آنچیست؟

1- تعریف یک‌جانبه ‌نگری و یک جانبه گرایی و توحید چیست؟

ابتدا به تعریف یک‌جانبه ‌نگری پرداخته می شود.

**1-1- تعریف یک‌جانبه ‌نگری و چند جانبه نگری:**

یک‌جانبه ‌نگری به معنای توجه به یک بعد یا یک زاویه یا یک جنبه از چیزی است که دارای جوانب گوناگون میباشد. در اصطلاح امروزی نوعی سیاه و سفید دانستن رویدادها است. در مقابل آن چند جانبه نگری قرار می گیرد که ممکن است منظور توجه به چند جنبه از کل جوانب باشد که در این صورت این شناخت نسبت به شناخت یک جانبه ای شناخت کاملتری است یا ممکن است تمام جوانب آن منظور باشد که در این صورت شناخت کاملی از این پدیده بدست خواهد آمد. در این مقاله منظور از چند جانبه نگری، جامع نگری است که تا حد امکان معرفت به تمام ابعاد و زوایای یک مسئله است.

**1-2-تعریف یک جانبه گرایی(unilateralism) و چند جانبه‌ گرایی(Multilateralism)**

یک ‌جانبه ‌گرایی هر گونه آموزه یا برنامه‌ای است که از اقدام یک ‌جانبه حمایت می‌کند. چنین اقدامی ممکن است با بی‌اعتنایی به جانب ‌های دیگر یا همراه با ابراز تعهد به سمت‌ و سویی باشد که دیگر طرف ها با آن موافق باشند. یک‌جانبه‌ گرایی نو واژه‌ای است که به‌عنوان نقیضی برای چند جانبه‌ گرایی رایج شده‌ است. (پایگاه اطلاع رسانی آران مغان)

چند جانبه گرایی اصطلاحی بسیار رایج در روابط بین الملل است که به ندرت تعریف دقیقی از آن به دست داده می شود. در ساده ترین مفهوم، این اصطلاح به معنی اقدام گروهی متشکل از سه دولت یا بیش تر یا اقدامی میان آن هاست. بدین ترتیب چند جانبه گرایی از یک جانبه گرایی-اقدام مستقل یک دولت واحد-و دو جانبه گرایی-اقدام دو دولت یا اقدام میان دو دولت-متمایز می شود. (گریفیتس، مارتین؛ (1388)، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه ی علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ دوم1390)

**1-3- تعریف توحید**

واژه «توحید» مصدر باب «تفعیل» و به معنای «یگانه دانستن» است. ریشه این کلمه «وحد» و به معنای انفراد است و از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می شود که جزء ندارد. (مفردات راغب اصفهانی، نشر مرتضوی، 1388، ص 551. )

**2- واژه های مشابه یا نزدیک بهیک جانبه نگری**

واژه های مختلفی بنظر می رسد که در اینجا به برخی از این واژه ها اشاره می شود.

برخی از این واژه ها عبارتند از 1- خود برتربینی 2- خود رأیی

**2-1- خود برتربینی**

یکی از این واژه های مشابه و نزدیک به یک جانبه نگری اعتقاد به برتری خود یا در اولویت قرار دادن خود فردی در برابر خود اجتماعی از قبیل حزبی، نژادی، ملی، کشوری و. . . است که البته گاهی اوقات خود اجتماعی ظاهراً اجتماعی، ولی در درون خود، فردی است. مانند اعتقاد به برتری گروه یا حزب خود که به همان خود فردی برمی گردد. زیرا اگر گروه یا حزب خود را برتر می داند به این جهت است که خودش زیر مجموعۀ این حزب و گروه است. گر نه حزب و گروه برایش اصالت ندارد. راه تشخیص خود فردی از خود اجتماعی در اینجا این است که اگر فرضاً حزب تصمیمی بگیرد که مخالف منافع فرد باشد در صورتی که فرد بپذیرد خود او اجتماعی و اگر نپذیرد خود او فردی است.

**2-2- خودرأیی**

بنظر می رسد یکی از واژه های نزدیک به یک جانبه نگری خود رایی است که معلول کبر یا همان خود برتربینی است. در مقابل خودرأیی، رأی یا خرد جمعی است که مترادف یا مشابه با چند جانبه نگری است. البته خودرایی یک فرد در مقابل افراد دیگر بالاترین مرتبۀ خودرایی است. خودرایی گروهی، حزبی، نژادی، محله ای، شهری، استانی و ملیتی و... مراتب پایین تر و ضعیف تر آن می باشند. ملاک تشخیص خودرایی در جایی که این خودرایی جمعی است از رای و خرد جمعی، شناخت از طریق مقابلات با عنوان مشابه خود است. مثلا اگر مسئولان یک استان بخواهند دربارۀ کل استانها یا دربارۀ مسائل استانی خود که موثر در سرنوشت استانهای دیگر است بدون توجه به نظر استانهای دیگر و فقط فقط با رای و نظرخودشان تصمیم گیری کنند، این باز نوعی یک جانبه نگری است. اما اگر همۀ استانها در این تصمیم گیری شرکت کنند و رأیشان در این تصمیم گیری موثر باشد، این همان خرد و رای جمعی و همان چند جانبه نگری است.

**3- واژه های متقابل یک ‌جانبه ‌نگری و یک جانبه گرایی و نوع تقابل آنها**

پیش از پاسخ به این پرسش مختصراً به اصل معنی تقابل و اقسام آن اشاره می شود.

**3-1-معنای تقابل**

تقابل، اصطلاحی منطقی و فلسفی است؛ هم در مفاهیم و مفردات و هم در قضایا و مرکّبات مطرح می‌شود: حکما تقابل را به امتناع اجتماع دو شیء متخالف در موضوع واحد، یا محل واحد، از جهت واحد و در زمان واحد تعریف کرده‌اند. (ابن سینا، الالهیّات من کتاب الشّفاء، ج۱، ص۳۱۲، محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، کتاب اساس الاقتباس، ج۱، ص 55-56، محمدحسین طباطبائی، نهایة الحکمة، ج۱، ص۱۴۵، قم ۱۳۶۲ ش. )

**3-2- اقسام تقابل**

اجمالا تقابل (درمفاهیم) را به چهار قسم تقسیم می كنند، می گویند: تناقض ، عدم و ملکه ، تضاد و تضایف

که در اینجا فقط به تعریف تقابل عدم و ملکه پرداخته می شود

**3-2-**1- تعریف تقابل عدم و ملکه :

متقابلین یا اینكه یكی از آندو عدم دیگری است، یا اینكه عدم دیگری نیست. اگر یكی از آندو عدم دیگری باشد باز بر دو قسم است: یك وقت هست كه در آنجا اعتبار شأنیت می شود، یعنی عدم دیگری است و در این عدم اعتبار شأنیتِ وجود شده است، و یك وقت هست كه اعتبار شأنیت نشده است. آنكه اعتبار شأنیت وجود در آن شده است «عدم و ملكه» است. . .

(مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ‏13، ص: 843- محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة (سفر اول)، ج۲، ص۱۰۳، )

**3-3-** روشن است که یک جانبه نگری باچند جانبه نگری و یک جانبه گرایی با چند جانبه گرایی متقابل است.

**3-4 –نوع تقابل آنها**

با توجه به توضیحات بالا بنظر می رسد تقابل یک جانبه نگری باچند جانبه نگری و یک جانبه گرایی با چند جانبه گرایی از نوع تقابل عدم و ملکه باشد. زیرا یک جانبه نگری و همچنین یک جانبه گرایی در مسائلی مطرحند که چند جنبه دارند ولی به هر دلیل به یک جنبه توجه می شود.

این مسئله در انتقادی که از ترامپ می شد روشن تر می شود زیرا اگر برای ترامپِ یک جانبهِ گر چند جانبه گرایی امکان نداشت او را در یک جانبه گرایی و رها کردن چند جانبه گرایی به باد انتقاد نمی گرفتند.

**4- اشکال مختلف یک جانبه نگری در معرفت شناسی**

این مسئله در معرفت شناسی در کفایت ابزار معرفتی انسان متجلی می شود.

**4-1- معنا و مفهوم کفایت ابزار معرفتی انسان**

بر اساس این اعتقاد انسان به ابزاری غیر از ابزار معرفتی خود نیاز ندارد. یک چنین فردی می گوید هرچه دیگران برای معرفت هستی دارند من هم دارم حواس پنجگانه و عقل و دل را که تمام آدم های معمولی دارند من هم دارم پس از دیگران چه چیزی کم دارم تا نیازی به دانستن نظر دیگران داشته باشم؟ و اگر احیاناً این فرد نابغه ای باشد چه بسا امر بر او مشتبه شده و به قول معروف خود را علامۀ دهر بداند و فقط جانب نظر خود را بگیرد. همین دیدگاه موجب خود برتر بینی و خودستایی و بدنبالش خود رأیی و خودگرایی می شود.

**4-2-حالات گوناگون تجلی اعتقاد به کفایت ابزار معرفتی انسان**

با توجه به اینکه در معرفت شناسی ابزار معرفتی انسان را 3 نوع می دانند، عقیده به کفایت ابزار معرفتی در تقسیم اول به دو گونه جلوه می کند:

1- کفایت ابزار معرفتی نوع انسان2-کفایت ابزار معرفتی فرد انسان

در هر دوی اینها سه حالت متصور است:

1- کفایت جمع سه گانۀ ابزار معرفتی در برابر معرفت وحیانی:

این اعتقاد نوعی اومانیسم معرفتی است. این عقیده از این جنبه که به ضرورت هر 3 روش و ابزار معتقد است چند جانبه نگری و اما از این جهت که به ابزار معرفتی انسان در برابر معرفت وحیانی، اصالت داده، یک جانبه نگر است.

2- کفایت دو تا از ابزار معرفتی مانند حس و عقل یا عقل و شهود(دل) یا حس و شهود. این نوع هم نسبت به اینکه دو ابزار را پذیرفته دو جانبه نگر و به عنوان اصالت ابزار معرفت بشری در مقایسه با معرفت وحیانی یک جانبه نگر است.

3- کفایت یک ابزار که از هر جهت یک جانبه گر است.

این بند اخیر نیز به سه گونه جلوه می کند:1-کفایت عقل 2-کفایت حواس ظاهری 3-کفایت دل

**4-2-1-نمونه ای از اعتقاد به کفایت عقل**

دکارت فیلسوف بزرگ فرانسوی معتقد بود که: «ميان مردم عقل از هر چيز بهتر تقسيم شده است؛ چه هركس بهره خود را از آن، چنان تمام مى‌داند كه مردمانى كه در هر چيز ديگر چنان دير پسندند از عقل بيش از آن كه دارند آرزو نمى‌كنند و گمان نمى‌رود همه در اين راه كج رفته باشند، بلكه بايد آن را دليل دانست بر اينكه قوّه درست حكم كردن و تمييز خطا از صواب، يعنى خرد يا عقل، طبعاً در همه يكسان است و اختلاف آراء از اين نيست كه بعضى بيش از بعض ديگر عقل دارند، بلكه از آن است كه فكر خود را به روش‌هاى مختلف به كار مى‌برند و منظورهاى واحد در نظر نمى‌گيرند؛ چه ذهن نيكو داشتن كافى نيست، بلكه اصل آن است كه ذهن را درست به كار برند(رنه دكارت، گفتار در روش، ترجمه محمدعلى فروغى، ص196. )

نتیجۀ طبیعی سخن دکارت این است که اگر کسی راه درست به کارگیری عقل را دریابد دیگر نیازی به هیچ و کس و هیچ چیزی در راهیابی به حقیقت ندارد حتی به وحی الهی. اینیعنی خودکفایی عقل در تشخیص حقیقت.

**4-2-1-1-نقد و بررسی کفایت عقل**

اینکه معتقد باشیم تنها عقل به حقیقت راه می برد و نقش حس و دل را نادیده بگیریم، یک جانبه نگری است و بهره ای از حقیقت ندارد. زیرا تمام کاوشهای عقلی، عقلی صرف نیست بلکه بسیاری از این کاوشها عقلی تجربی یا عقلی حسی است مقدمۀ صغری حسی یا تجربی است و کبری عقلی است مانند آنچه دربارۀ برهان نظم گفته شده است.

در مقابل معرفت حسی، معرفت عقلی و قلبی قرار دارد که معرفت عقلی برخلاف معرفت حسی، کل نگر است. اگر منظور از کل نگری معرفت قوانین کلی هستی باشد نه شناخت کل قوانین هستی لزوماً این کل نگری به معنای جامع نگری نیست زیرا مسائلی وجود دارد که از تیر رس عقل خارج استو نمی توان ادعا کرد که عقل کل قوانین هستی را شناخته است. بدین جهت اگر چند جانبه نگری را به معنای جامع نگری بدانیم پای عقل هم در این زمینه می لنگد که البته در این مقال جای بحثش نیست.

**4-2-2- نمونه ای از اعتقاد به کفایت ابزار حسی**

در میان فلاسفۀ جدید می توان هابس و گاساندی را از جملۀ اصحاب این مذهب نام برد. هابس در ابتدای کتاب خود موسوم به «لویاتان» صریحاً می گوید: «منشأ تمام افکار ما احساس است و هیچ مفهوم عقلی نیست مگر اینکه در پیش کلاً یا جزئاً در حس بوده باشد و از همین مفهوم های اولی است که مفاهیم دیگر نتیجه شده است» (پل فولکیه فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه ترجمه دکتر یحیی مهدوی انتشارات دانشگاه تهران چاپ سوم بهمن 66 ص 131 )

**4-2-2-1- نقد و بررسی اعتقاد به کفایت ابزار حسی**

معرفت حسی که زیر بنای جهان بینی علمی را تشکیل می دهد در ذات خودجزءنگری است و هیچ گاه معرفت کلی نمی دهد از این جهت دارای نارسایی هایی است که به دلیل رعایت اختصار اینها را زبان شهید مطهری بشنویم.

استاد مطهری در باره نارسایی جهان بینی علمی می نویسد: از نظر علم، جهان کهنه کتابی است که اول و آخر آن افتاده است نه اولش معلوم است نه آخرش، اینست که جهان بینی علمی، جزء شناسی است نه کل شناسی، علم ما را به وضع برخی اجزاء جهان آشنا میکند نه به شکل و قیافه و شخصیت کل . (مجموعه آثار شهید مطهری. ج2، ص78-80 )

**4-2-3-نمونه ای از اعتقاد به برتر بودن معرفت شهودی**

عرفا عقل را بیش از اندازه تحقیر کرده اند و گاهی تا حدّ بی اعتبار بودن عقل ‏هم جلو رفته‏اند (مطهری، انسان ‏کامل: ص 158 و 159). و بیشتر به برتری معرفت شهودی بر عقل اعتقاد دارند و نه اینکه صدر صد با عقل و معرفت حسی مخالف باشند. به همین جهت بنظر می رسد یک نمونۀ کاملی ازکفایت معرفت شهودی در میان آنان بدست نمی آید. مثلا مولانا در مقایسۀ عقل و عشق می گوید:

بحث عقلی، گر دُرّ و مرجان بود / آن دگر باشد که بحث جان بود

بحث جان، اندر مقامی دیگر است / باده جان را، قوامی دیگر است

(شرح جامع مثنوی معنوی–دفتراولابیات 1501و 1502 –تالیف کریم زمانی–انتشاراتاطلاعات)

**4-2-3-1- نقد و بررسی اعتقاد به برتری معرفت شهودی**

برتری یک ابزار بر ابزار دیگر بستگی به هدف تحقیق دارد به طور مطلق نمی توان یک شیوه و یا یک ابزار را برتر از دیگری دانست. هر معرفتی وقتی در جایگاه خود به کار رود، مفید و کارساز است. مثلا نه دل می تواند کار چشم را انجام دهد و نه چشم می تواند کار دل را.

معرفت قلبی از آن نظر که متکی بر شهود است فقط برای یک شخص که همان شخص شاهد است، حجت است و و به صرف ابتناء بر شهود قابل تعمیم و تبدیل شدن به قانون نیست، تا درستی یا نادرستی آن قابل قضاوت باشد و تا انسان بتواند نیازهای زندگی اجتماعی خود را بدین وسیله برآورده سازد.

البته معرفت شهودی خیلی بیشتر از معرفت عقلی و تجربی می تواند حرکت و حماسه ایجاد کند که در اینجا بیشتر از این جای بحثش نیست. راه نقد و بررسی همۀ این مسائل در دانش معرفت شناسی است.

**5- مواردی که یک جانبه نگری و چند جانبه نگری موضوعیت پیدا می کند**

دادن ملاک در این زمینه با توجه به توان کم نویسنده کار بسیار مشکلی است. بنابراین بنده تنها چند نکته را هر چند ناقص ذکر می کنم.

**5-1- تعیین محل نزاع**

در ابتدا باید بشناسیم که پدیده یا مسئلۀ مورد مورد بحث ما اصلا جنبه در موردش موضوعیت دارد یا ندارد و اگر دارد یک جنبه ای است یا چند جنبه ای؟

**5-2- نسبی بودن مفاهیم یک جانبه و چند جانبه بودن**

پیش از هر چیز تذکر این نکته لازم بنظر می رسد که یک جانبه یا چند جانبه در موارد زیادی مفاهیمی نسبی اند. مثلا وقتی به خود انسان توجه می کنیم با اعضای مختلفی یعنی با یک مجموعه سر و کار داریم و بررسی در مورد آن بررسی چند جانبه است. اما همین انسان نسبت به موجودات دیگر یک موجود است در مقابل میلیارد ها موجود دیگر. بنابراین بحث پیرامون آن بحث یک جانبه است.

**5-3-روش بررسی در جایی که جنبه داشتن موضوعیت ندارد**

اکنون با توجه به نکتۀ بالا می گوئیم: در صورتی که وجودی مانند خداوند که اصلا جنبه در موردش موضوعیت نداشته باشد، اگر جنبه یا جوانب یا صفات انسانی را به او نسبت دهیم، تنها به تسامح و از درد ناچاری و الکن بودن زبان است. چنانکه خود قرآن در آیۀ 10سورۀ فتح از «یدالله فوق ایدیهم» سخن گفته است. در اینجا جای لغزیدن به تشبیه و تنزیه افراطی هر دو وجود دارد و باید دقت بیشتری نمود و باید مرتب تذکر داد که این گونه تشبیهات معقول به محسوس صرفاً به جهت نزدیک کردن مطالب به ذهن است.

**5-3-1-دلیل موضوعیت نداشتن جنبه در مورد خداوند**

خداوند تنها وجودی است که جنبه در او موضوعیت ندارد زیرا خداوند متعال یکتا است و خداوند هم در ذات و هم در صفات هم در افعال و هم در شایسته بودن در عبادت یکتاست؛ لازمه یکتایی کمیت و یک و چند و ثانی و شبیه و نظیر و. . . نداشتن است.

شهید مطهری با تقسیم توحید به نظری و عملی می نویسد:

توحید نظری مربوط به عالم شناخت و اندیشه است، و توحید عملی یعنی خود را در عمل، یگانه و یك جهت و در جهت ذاتِ یگانه ساختن. به عبارت دیگر توحید نظری یعنی شناخت یگانه بودن خدا، و توحید عملی یعنی یگانه شدن انسان. (مجموعه آثار شهید مطهری. ج26، ص: 97)

همچنین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان مینویسد:

و كلمه «احد»صفتى است كه از ماده «وحدت»گرفته شده، همچنان كه كلمه (واحد) نيز وصفى از اين ماده است، چيزى كه هست، بين احد و واحد فرق است، كلمه احد در مورد چيزى و كسى بكار مى رود كه قابل كثرت و تعدد نباشد، نه در خارج و نه در ذهن، و اصولا داخل اعداد نشود، به خلاف كلمه واحد كه هر واحدى يك ثانى و ثالثى دارد يا در خارج و يا در توهم و يا به فرض عقل، كه با انضمام به ثانى و ثالث و رابع كثير مى شود، و اما احد اگر هم برايش دومى فرض شود، باز خود همان است و چيزى بر او اضافه نشده... يكى از بيانات لطيف مولانا امير المومنين (عليه السلام) در همين باب است كه در بعضى از خطبه هايش كه در باره توحيد خداى عزوجل ايراد فرموده چنين آمده: كل مسمى بالوحده غيره قليل (امام علی علیه‌السلام، نهج البلاغه، ص۵۰، خطبه ۶۵) يعنى - و خدا داناتر است - هر چيزى غير خداى تعالى، وقتى به صفت وحدت توصيف شود، همين توصيف بر قلت و كمى آن دلالت دارد، به خلاف خداى تعالى كه يكى بودنش از كمى و اندكى نيست. (الميزان في تفسير القرآن ج: 20 صفحه:- 388 – 387 وترجمة الميزان ج: 20ص:670)

با توجه بیان علامه در مفهوم «احد» نه تنها در دار هستی بلکه حتی در عالم فرض هم برای خدا دومی فرض نمی شود تا اینکه کسی بتواند در ذهن خود به چند خدا بنگرد.

اگر در مورد خداوند کثرتی فرض شود در مورد صفات است آن هم کثرتی مفهومی است در دل وحدت مصداقی و هیچگاه نه این وحدت به معنای یک جانبه نگری است و نه آن کثرت به معنای چند جانبه نگری.

ازجنبۀ فلسفی ذات حق کاملترین است و کاملترین جز یکتایی تصوری ندارد. توجه به حق تعالی، توجه به تمام کمالات و نفی تمام نقص ها است و انسان با گرایش به او خداگونه شده و از این طریق مقرب درگاه الهی و صاحب کمالات کثیر و دارای بینشی چند جانبه ای و همچنین گرایشی متعادل در جوانب مختلف می شود زیرا وقتی انسان مطابق آیه «فَأَيْنَماتُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» ( آیه 115 سوره بقره) به هر جانبی رو می کند او را می بیند. او در دل کثرت جهات وحدت و احدیت را درک می کند. درک کثرت، درک کمالات حق تعالی است تا انسان هم در وجود خود این کمالات را به اندازه ظرفیتش ایجاد و خداگونه بودن را عینیت ببخشد.

**۵-۳-۲- شیوه سخن گفتن با عامه مردم پیرامون توحید**

مسلماً با مردم عادی نمی توان با استدلال پیچیده فلسفی سخن گفت چه بسا با این گونه سخن گفتن آنها دچار مشکلات فکری شده و بیش از آنکه راه را بیابند راه را گم کنند بدین جهت لازم است این سخن پیامبر را که فرمود: «اِنّا مَعاشِرَ الاَنْبياءِ اُمِرْنا اَنْ نُـكَلِّمَ النّاسَ عَلى قَدْرِ عُقولِهِمْ» (تحف العقول ص 37 - كافى ط-الاسلامیه ج8، ص268 وج 1، ص 23) الگوی خود قرار دهیم و با مردم با همان زبان عامیانه خودشان سخن بگوئیم.

**۵-۴-روش بررسی در جایی که دارای یک جنبه یا چند جنبه است**

با توجه به تقابل عدم و ملکه بین مفاهیم یکیا چند جانبه ونسبی بودن این مفاهیم تعیین مرز مشخصی بین آنها امر مشکلی است. بدین جهت تنها به ذکر چند نکته بسنده می کنم.

**۵-۵- منظور از مجموعه یا چند جانبه ای**

در بررسی یک یا چند جانبه ای سروکار ما با یک مجموعه است. منظور از مجموعه ترکیبی از اجزاء یا اعضایی است که به طور منظم یعنی بر اساس هدف مجموعه و مطابق با اصل سنخیت هر کدام در کنار بقیه اعضاء و در جایگاه مخصوص خود قرار گرفته اند و به گونه‌ای با هم مرتبطند که اگر اختلالی در کار یکی از آنها پیش بیاید به تناسب اهمیت آن اختلالی در کار کل مجموعه پیش می آید.

**۵-۶-جایگاه بررسی یک جانبه ای و چندجانبه ای**

اگر در بررسیِ یک جنبه از یک پدیده ارتباط آن با جنبه های دیگر خودش یا با پدیده های دیگر نادیده گرفته شود یا پدیده های دیگر در مجموعه های دیگری مستقل از این مجموعه باشند، در اینجا بررسی یک جانبه موضوعیت پیدا می‌کند. اما اگر اعضاء یک مجموعه آن چنان به هم پیوسته و مرتبط و هماهنگ باشند که نادیده انگاشتن این ارتباط موجب نشناختن آن می شود یا آن پدیده یا پدیده های آن مجموعه هویتی غیر از این ارتباط نداشته باشند در اینجا نگرش ناچاراً چند جانبه ای خواهد بود.

**6- مصداق یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی در برابر خداوند چیست؟**

در ابتدا لازم است یک نکته راجع به تمییز محتوا از روش بررسی توضیح داده شود.

**6-1- جدا سازی حکم محتوا با شیوۀ بررسی**

در این مسئله ما با روش چندجانبه ای در محتوای توحید به این نتیجه رسیده ایم که جنبه در مورد خداوند موضوعیت ندارد. اکنون در پرسش 6 هدف مابیان شیوۀ بررسی مسئلۀ توحید است نه محتوای آن.

**6-2-یک جانبه نگری در برابر خداوند**

معنای این یک جانبه نگری عدم دخالت دادن رأی خدا در شناخت هستی و در باید ها و نباید هاست. این عدم دخالت یا به علت عدم اعتقاد فرد به وجود خداست یا به دلیل این است که این فرد فکر می کند که خود خداوند ابزار معرفتی انسان را به گونه ای کامل و خودکفا آفریده تا نیازی به رأی خدا نداشته باشد که در این صورت پیرو سکولاریسم شده یا اینکه خودش را به دلیل کبر و غرور برتر از خدا دانسته در نتیجه به یک ابلیس و یک شیطان و یا یک طاغوت و فرعون تبدیل شده است به همین جهت فقط جانبِ نظرِ خود را می گیرد.

**6-2-1- بود و نبود یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی در خلافت الهی**

برخی ممکن است چنین تصور کنند که سپردن خلافت الهی به انسان توسط خداوند نوعی یکجانبه نگری و یک جانبه گرایی است. در صورتی که چنین نیست. زیرا:

1-اگر لازمۀ خلافت یک جانبه گری باشد نتیجه اش به عکس، تاثیر دادن یک جانبۀ رأی خدا در نگرش به «هست» ها و «نیست» ها و «باید» ها و «نباید» های الهی است نه تاثیر دادن یک جانبۀ رأی انسان. زیرا خلافت را خدا به انسان به عنوان یک امانت داده، بنابراین لازمۀ وفاداری به حفظ امانت توجه به رای صاحب امانت است.

2- خداوند برای انجام و اِعمال خلافت توسط انسان از موضع لطف تمام لوازم آن را در اختیار انسان قرار داده. از لوازم عینیت بخشیدن به این مسئولیت، داشتن قدرت تعقل و اختیار و توانایی به کارگیری این دو است. بدین جهت خداوند هم تمام این موارد را به انسان عطا کرده است. با دادن قدرت اختیار دست او را در اِعمال رأی خود انسان باز گذاشته. با این وجود خداوند انبیاء را مبعوث کرده تا به انسان کمک کنند تا از این حق خود در جهت نابودی خود و مخلوقات دیگر استفاده نکنند. جانشین اگر جانشین است باید مانند صاحب اصلی عمل کند و خیر او هم در همین است. در جاهایی که خداوند به پیامبرش دستور به شور و مشورت با اصحاب را داده در واقع رأی انسان را در تصمیم گیری هایش پذیرفته است. زیرا:

کلمه «شورى» به معناى آن پیشنهاد و امرى است که در باره اش مشاوره شود. این کلمه نیز در قرآن آمده، فرموده: «و امرهم شورى بینهم». و بنابراین معناى آیه چنین مى شود: مؤمنین آنهایند که هر کارى مى خواهند بکنند، در بینشان شورائى مى شود که پیرامونش مشورت مى کنند.

در این جمله اشاره اى است به اینکه مؤ منین اهل رشدند، و کارى مى کنند که در واقع هم باید بکنند، و در به دست آوردن و استخراج رأى صحیح دقت به عمل مى آورند، و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه مى کنند. در نتیجه آیه شریفه قریب المعنى با آیه شریفه «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» خواهد بود. (تفسیر المیزان ج 18 ص 63و ترجمه تفسیر المیزان نویسنده: علامه طباطبایی ج18 ص: 93)

بنابراین خداوند هم از مومنین خواسته تنها به رأی خود اکتفا نکنند بلکه چند جانبه نگر باشند. در اینجا جوانب دیگر، همان دیگر انسان های مومن اند.

بنابراین اگر انسان جانب رأی خدا را بگیرد، هر چند ظاهر آن نیز یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی است اما در دل این وحدت کثرتی طولی نهفته است که بنحوی هم شامل رای خود می شود و هم رای خدا زیرا در رای خدا، هم رای انسان و هم مستقیم و غیر مستقیم رأی خود خدا جا می گیرد که غیر مستقیم آن در قالب رای پیامبران و امامان و در زمان غیبت کبری رأی خدا در رأی مراجع تقلید و ولی فقیه متجلی می شود.

**6-3- معنا و مفهوم چند جانبه نگری در فهم کلام خداوند**

به عنوان نمونه می توان در اینجا از شیوۀ تفسیر قرآن سخن گفت.

**6-3-1- چند جانبه نگری در تفسیر قرآن**

مفسران قرآن بحق شیوه ها و دستور العمل هایی را برای تفسیر قرآن ذکر کرده اند که پیام آنها به ما در این زمینه رعایت شیوۀ چند جانبه نگری در قرآن است که برخی از آن موارد ذکر می شود.

**۶-۳-۱-۱- شیوه ها و دستور العمل های تفسیر قرآن از زبان مفسران**

به دلیل پرهیز از اطالۀ کلام و عدم خروج از موضوع بحث تنها این شیوه ها فهرست وار و از زبان آیت الله سبحانی ذکر می شود. ایشان چهارده شرط راذکر می‌کند که‌ عبارتند از: 1. آگاهی‌ از قواعد زبان‌ عربی 2. آگاهی‌ از معانی‌ مفردات‌ قرآن 3. تفسیر قرآن‌ به‌ قرآن 4. مراجعه‌ به‌ شأن‌ نزول‌ها 5. مراجعه‌ به‌ احادیث‌ صحیح 6. توجه‌ به‌ هماهنگی‌ مجموع‌ آیات‌ قرآن 7. توجه‌ به‌ سیاق‌ آیات 8. آگاهی‌ از آرای‌ مفسران‌ اسلامی 9. پرهیز از هر نوع‌ پیشداوری 10. آگاهی‌ از بینش‌های‌ فلسفی‌ و علمی 11. آگاهی‌ از تاریخ‌ صدر اسلام 12. آگاهی‌ از قصه‌ها و تاریخ‌ زندگانی‌ پیامبران 13. آگاهی‌ از تاریخ‌ محیط‌ نزول‌ قرآن 14. شناخت‌ آیات‌ مکی‌ از مدنی. (سبحانی جعفر، مقالۀ روش صحیح تفسیر قرآن قبسات 1382 شماره 29)

هر چند علم مراتبی دارد و با رعایت شرایط حداقلی هم می توان چیزی فهمید اما این فرد که روشمند عمل نکرده، مانند کسی است که خود را بیمه نکرده و معلوم نیست برداشت هایش تا چه اندازه درست باشد. به هر جهت پیام این شرایط همان چند جانبه نگری و چندجانبه گرایی در تفسیر قرآن است.

**۶-۴- مصادیقی از یک جانبه گرایی در فهم کلام خداوند**

یک جانبه گرایی در فهم کلام خداوند را می توان خودرایی انسان در برابر خداوند نامید.

**۶-۴-۱- تفسیر به رأی در قرآن**

در تفسیر به‌ رأی، شخص‌ مفسر بدون‌ توجه‌ به‌ قراین‌ عقلی‌ و نقلی، اقدام‌ به‌ تفسیر قرآن‌ بر اساس‌ سلیقه‌ و نظر شخصی‌ می‌کند؛ اما در تفسیر عقلی، مفسر به‌ قراین‌ و دلایل‌ قطعی‌ عقلی‌ توجه‌ می‌کند و بر اساس‌ آن‌ها قرآن‌ را تفسیر می‌کند(رضایی اصفهانی محمدعلی تفسیر عقلی روشمند قرآن قبسات 1381 شماره 23)

به عنوان مثال فردی با مراجعه به قرآنبه آیۀ 62 بقره (و آيه 69مائده تقریباً با همین مضمون با کمی اختلاف) برخورد می کند که می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره 62 )

ایشان پلورالیسم دینی را نتیجه گیری کرده و مسلک نامبردگان در آیه راحق می داند. و زمانی هم که مورد اعتراض قرار می گیرد می گوید، این نتیجه از ظاهرآیۀ قرآن بدست می آید که از آنها نخواسته که مسلمان شوند بلکه آیه از آنها خواسته با حفظ مسلک خود، تنها با ایمان آوردن به خدا و آخرت و انجام عمل صالح، اهل نجات باشند. در صورتی که چندین اشکال در این نوع نتیجه گیری وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

1-اگر ملاک ظاهر آیه است، با توجه به ماضی بودن افعال «آمنوا» ، « آمن» و «عمِلَ» آیه شامل یهود و نصارا و صابئون زمان پیامبر اسلام و بعد از آن نمی شود. فقط «یحزنون» را به شکل مضارع به کار برده که این هم مربوط به نتیجۀ ایمان و عمل صالح آنان است. تفسیر نمونه هم به همین صورت ماضی معنا کرده است. (تفسير نمونه ج: 1ص:282)

باتوجه به یکی از شأن نزول های این آیه که در تفسير نمونه ذکر شده مطلب بالا تأیید می شود.

در تفسير نمونه از جامع البيان، نقل شده است: سلمان فارسى به رسول اكرم صلى الله عليه و آله گفت:

دوستان من كه اهل ايمان و نماز بودند، ولى شما را نديدند تا به شما ايمان بياورند، وضع آنها در قيامت چگونه است؟ يكى از حاضران جواب داد: اهل دوزخند. ولى اين آيه نازل شد كه هر كدام از پيروان اديان كه در عصر خود بر طبق وظايف و فرمان الهى عمل كرده‌اند، مأجورند. البتّه اين آيه نمى‌تواند بهانه و دستاويزى براى ماندن در يهوديّت و مسيحيّت باشد. زيرا اوّلاً: قرآن، اهل كتاب را به اسلام دعوت نموده است و ثانياً: تهديد كرده كه اگر آگاهانه به سراغ دينى غير از اسلام بروند، مورد قبول نيست(آل‌عمران، 85. )(قرائتی، محسن تفسیر نور ج 1 ص 127، تفسیر نمونه ج 1 ص 285- 286 )

2-در اینجا فرموده نجات می یابند؛ نفرموده حق اند. هرچند به جهت برخی از وجوه مشترک با اسلام مراتبی از حقانیت را دارند.

3-هرچند حتی به طور یک جانبه اگر همین یک آیه هم ملاک باشد پلورالیزم دینی نتیجه نمی شود، اما اگر چند جانبه نگری می شد و به آیات دیگری مراجعه می شد که چه نوع ایمانی به خدا مورد نظر است آیا ایمان به سه خدا و ایمان به خدا بودن مسیح مورد نظر است یا ایمانی که خود قرآن از مسلمانان انتظار دارد، قطعاً چنین اظهار نظری نمی شد.

**۶-۴-2- تفسیر قرآن به قرآن و یک جانبه نگری**

برخی از شیوۀ تفسیر قرآنبه قرآن ممکن است، یک جانبه نگری را نتیجه بگیرند و بگویند برای تفسیر قرآن تنها یک جنبه کافی است و آن خود قرآن است چنانکه امام علی (ع)در مورد قرآن فرموده: ینطق بعضه ببعض، و یشهد بعضه علی بعض(امام علی علیه‌السّلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، ص۱۹۲)بنابراین در تفسیر قرآن نیازی به جوانب و یا مدارک دیگر نیست.

اما در اینجا چندین مغالطه صورت گرفته که فقط به چند مورد آن اشاره می شود.

اینکه می فرماید آیات قرآن مفسر یکدیگرند چند نکته قابل برداشت است:

1- اگر نگوئیم همۀ آیات قرآن محتاج تفسیر است اما برخی آیات که به قول خود قرآن متشابه اند(آل عمران آیۀ 7) نیاز به تفسیر دارند و صرف توجه به یک آیه یا ترجمه آن کافی نیست. 2- اینکه می فرماید آیات قرآن مفسر یکدیگرند یعنی می خواهد محقق را به مراجعه به آیات دیگر دعوت کند تا قضاوتش پیرامون یک مسئله صرفاً بر اساس یک آیه نباشد.

از این دو نکته نادرستی یک جانبه نگری درتفسیرقرآن فهمیده می شود.

3- در اینجا گفته آیات قرآن مفسر یکدیگرند اما در مورد اینکه چه کسانی قادر به فهم این ارتباط اند ساکت است.

4-بنا بر اینکه آیات خود مفسر یک دیگرند خداوند در آیۀ 44 سورۀ نخل«بِالْبَیناتِ وَ الزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنا إِلَیکَ الذِّکْرَ لِتُبَینَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ یتَفَکَّرُون»کسی که اهلیت تفسیر و تبیین قرآن را دارد معین کرده و آن شخص پیامبر است و بر اساس حدیث ثقلین امامان هم یک چنین اهلیتی در تفسیر قرآن به قرآن دارند و افزون برآن وقتی این سخن از امام علی (ع) نقل می شود معنای تلویحی آن این است که اگر امامان و به طریق اولی پیامبر اگر تفسیر قرآن می کنند بر مبنای تفسیر قرآن به قرآن است.

یکی از مفسران بزرگ که شیوۀ تفسیر قرآن به قرآن را برگزیده، مرحوم علامه طباطبایی است. ایشان دربارۀ اهل ذکر می فرماید:

در تفسیر عیاشى از محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده که گفت: به امام عرض کردم مردمى که نزد ما هستند چنین مى پندارند که مقصود از اهل ذکر در آیه«فاسئلوا اهل الذکر. . . »، یهود و نصارای اند، حضرت فرمود: اگر آنان باشند ایشان شما را به دین خود مى خوانند و هرگز حق مطلب را که حقانیت اسلام است به شما نمى گویند آنگاه با دست به سینه خود اشاره کرد و فرمود: مائیم اهل ذکر و مائیم که مردم باید از ما سؤال کنند آنگاه گفت: امام باقر اضافه کرد که ذکر، قرآن است. (تفسیر المیزان ج 12 ص 257و ترجمه تفسیر المیزان جلد: 12 صفحه: 411 )

اگر علماء دین هم یک چنین اهلیتی داشته باشند که دارند به شرط این است که تفسیرشان هماهنگ با تفسیر حاملان اصلی وحی باشد و چون در آخر آیه فرموده «لعلهم یتفکرون» دیگران نیز می توانند به طور روشمند و با بکارگیری شروط تفسیر با عقل تزکیه شدۀ خود که حجت درونی است(اصول کافی، ج1، ص16) بر اساس الگوگیری از پیامبر و ائمه و علما راه تبیین و تفسیر را ادامه دهند.

بنابراین با توجه به اینکه منظور از چند جانبه اشخاص و افراد(پیامبر و ائمه و علما) می باشند، چندجانبه گرایی موج می زند.

**7- علل و عوامل یک ‌جانبه ‌نگری و پیامدهای آن چیست؟**

ابتدا به علل و عوامل توجهی می شود و سپس به پیامدها

**7-1- علل و عوامل یک ‌جانبه ‌نگری**

الف) مهمترین عامل یک جانبه نگری اعتقاد به کفایت ابزار معرفتی انسان برای سعادت و خوشبختی است که در پرسش چهارم به آن پرداخته شد.

ب) یکی دیگر از این عوامل سطحی نگری است که شاید یکی از عوامل سطحی نگری شتاب وکم حوصلگی در رسیدن به نتیجه است.

ج)خلط علت ناقصه با علت تامه یا خلط علت معد با علت حقیقی نیز می تواند یکی از این عوامل باشد. مثلا مادی گراها وقتی می بینند که اگر شنوایی فردی از کار افتاده باشد، شنیدن متحقق نمی شود، می گویند بنابراین گوش که یک ابزار مادی است تنها عامل شنیدن است در صورتی وقتی کسی به گوینده ای توجه ندارد با وجود سالم بودن شنوایی اش یا نمی شنود یا نمی داند که گوینده چه گفته است این نشان می دهد که دستگاه شنوایی به تنهایی برای امر شنیدن کافی نیست.

**7-2- پیامدهای یک جانبه نگری**

یکی از پیامدهای مهم یک جانبه نگری، یک جانبه گرایی است. بنابراین تمام آنچه که پیرامون یک جانبه نگری بیان شده، در اینجا نیز صادق است. زیرا گرایش مربوط به «باید»ها و «نباید»ها است و نگرش مربوط به «هست» ها و «نیست» ها و در این زمینه طبق قانون سنخیت علت و معلول«هست» ها و «نیست» های خاصی موجب شکل گیری«باید»ها و «نباید»های خاصی می شوند که بحث در این مسئله خارج از این مقاله است و باید آن را در دانش معرفت شناسی و فلسفۀ اخلاق جستجو کرد. (ر. ک. به مقالۀ تجلی اصل سنخیت در اخلاق فلسفی و دینی از این حقیر)

**7-2-1- مصادیقی از یک جانبه گرایی**

این مسئله امروزه بیشتر در حوزه سیاست مطرح شده؛ اما منحصر به این حوزه نیست بلکه در تمام حوزه های فردی و اجتماعی از جمله در حوزۀ اقتصاد، فرهنگ، نژاد پرستی، اخلاقیات، دین، تفسیر قرآن، بهداشت جهانی، حفظ محیط زیست، دربحث حقوق زن، در بحث آزادی، در مقابله با بیماری ها به ویژه در مسئلۀ کروناو... قابل طرح است که با توجه به اینکه این مسائل مرتب در رسانه ها بیان می شود نیازی به بیان آنها در این مقاله دیده نمی شود فقط اشاره ای به فهرست برخی از مصادیق یک جانبه گرایی های بزرگترین کشور یک جانبه گرای دنیا و توضیح مختصری در مورد یکی از مصادیق آن یعنی بزرگترین مسئلۀ روز دنیا که مسئلۀ کروناست می شود.

**7-2-1-1- مصادیقی از یک جانبه گرایی آمریکا**

در روزگار ما آمریکا یکی از کشورهای معروف یک جانبه گراست که برخی از یک جانبه گرایی های این کشور عبارتند از:

خروج از: 1-پیمان تجاری اقیانوس آرام 2- معاهده آب و هوایی پاریس 3-سازمان علمی و فرهنگی یونسکو 4-پیمان جهانی مهاجرت 5- توافق هسته ای ایران و... (برگرفته از سخنرانی دکتر محمدتقی حسینی سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیک در دانشگاه یو وی ام مکزیک برای دانشجویان روابط بین الملل با موضوع "تهدید چند جانبه گرایی و پیامدهای آن برای نظم جهانی" )

**7-2-1-1-1-یک جانبه گرایی آمریکا در مسئلۀ کرونا**

اکنون مهمترین مسئلۀ جهان امروز ما مسئلۀ کرونا است. در این زمینه خبرگزاری جمهوری اسلامی نامۀ چند تن از نمایندگان مجلس نمایندگان آمریکا به ترامپ را نقل کرده و می نویسد:

برخی منابع خبری مدعی شدند که «الکساندریا اوکازیو کورتز» با حمایت تنی چند از سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان آمریکا نامه‌ای را خطاب به مایک پمپئو و استیو منوچین وزیران امور خارجه و خزانه داری آمریکاتهیه کرده که خواستار لغوتحریم‌ها علیه ملت ایران در بحبوبه شیوع ویروس کرونا است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۵فروردین ۱۳۹۹، ‏ ۳:۱۰ کد خبرنگار: 1195کد خبر: 83725429)

یک جانبه گرایی آمریکا در این زمینه تحریم های گسترده، خصوصاً تحریم داروهای مفید در معالجۀ این بیماری استکه این کشور صرفاً به دلائل یک جانبۀ سیاسی در جهت رعایتیک جانبۀ منافع خود این تحریم ها را انجام داده است.

البته این یک جانبه گری آمریکا خاص زمان ترامپ نبوده بلکه تقریباً می شود گفت در تمام طول عمر این کشور وجود داشته حتی در زمانی که که ظاهراً با کمک کشورهای متحد اروپایی اش چند جانبه عمل کرده است، در دل این چند جانبه گرایی، یک جانبه گرایی نهفته بوده است. زیرا هدف تنها حفظ منافع یک جانبۀ آمریکا بوده اما در برخی زمانها گرگها در بررسی هایشان به این نتیجه رسیده اند که اگر به تنهایی عمل کنند چیزی که عایدشان نمی شود هیچ ممکن است چیزهایی را نیز از دست بدهند پس بهتر است با گرگهای خون آشام دیگر شریک شوند. بنابراین تفاوت این دو روش، ظاهری و تنها در این است که شیوۀ ترامپ یک جانبه گرایی محض بود و کار آنها و احیاناً در حال حاضر کار بایدن یک جانبه گرایی در قالب زیبای چند جانبه گرایی است.

**7-2-2-یک جانبه نگری و یک جانبه گرایی در مسئله کرونا در کشور خودمان**

برخی از مردم کشورخودمان هم درجهت رعایت یا عدم رعایت شیوه نامه های بهداشتی دچار افراط و تفریط شده اند. افراط و تفریط یا به قول امروزی ها سیاه و سفید دیدن و بر اساس آن عمل کردن، هر دو نگریستن و گراییدن به یک جانبه و غفلت از جنبه های دیگر است. برخی آنقدر بیخیال بوده تا بر اثر این بی خیالی به کرونا مبتلا شده اند. مثلا بعضی از مسجدی ها ازحداقل رعایت شیوه های بهداشتی که زدن ماسک است، پرهیز می کنند. وقتی که به آنها گفته می شود مگر نمی بینید چه اوضاعی است؟ می گویند بی خیالش بدن من قوی است نمی گیرم. برخی می گویند من مشکل تنفسی دارم یعنی فقط خودشان را می بینند. یا می گویند در مسجد کسی کرونا نمی گیرد هر که گرفته از بیرون مسجد بوده، معلوم نیست این مسئله را چگونه اثبات می کنند؟ نمی دانم اینان شهادت شیعیان توسط تروریست ها را در مساجد یا ضربت خوردن آن انسان کامل علی ابن ابی طالب علیه السلام را در مسجد چگونه توجیه می کنند؟ اگر قرار است علل مادی در مسجد بی اثر باشند می بایست در این موارد به طریق اولی بی اثر می بودند. آیا مقام ما از حضرت علی علیه السلام بالاتر است؟ البته این نقدها به معنای بی اثر بودن علل معنوی نیست. زیرا اساساً علل معنوی حاکم بر علل مادی اند و قطعاً در تغییر روند زندگی دنیوی انسان موثرند و راه سعادت در آخرت از سعادت در دنیا می گذرد و این علل می توانند تاثیر علل مادی را از بین ببرند. چنانکه آتش برحضرت ابراهیم سرد شد. اما سخن در اینجاست که ما از مشیت الهی که خبر نداریم شاید خداوند تاثیر مسجد رفتن را در جای دیگری قرار است به ما بدهد.

برخی نیز به جهت رعایت شیوه نامه های بهداشتی آن قدر در خانه مانده اند که دچار افسردگی شده اند، در صورتی که هدف از دعوت به رعایت شیوه نامه های بهداشتی مصون ماندن از آسیب های این بیماری است. اگر انسان بر اثر افراط در این مسئله دچار یک بیماری دیگری همسان یا بدتر از آنشود این نقض غرض است. تا جایی که امکان داشته باشد باید از آسیب احتمالی تمام جوانب مصون ماند. اگر چنین چیزی شدنی نبود آن وقت پرهیز از ضرر بیشتر را باید در اولویت قرار داد.

**نتایج تحقیق**

1-منظور از «یک» در یک جانبه نگری ممکن است یک فرد یا یک پدیده و یا یک مسئله باشد.

2- واژه های خود برتربینی، خودرأیی و خودنگری، می توانند تا اندازۀ زیادی مُعَرِف یک جانبه نگری باشند.

3- مفاهیم یک جانبه نگری و چند جانبه نگری مفاهیمی نسبی اند.

4- به جهت اینکه تقابل یک جانبه نگری با چند جانبه نگری، تقابل عدم و ملکه است در توحید موضوعیت ندارد.

5- انسان در یکتا نگری خود به خداوند، کثرتی از کمالات الهی رادر دل احدیت و وحدت الهی و در یکتا گرایی خود به خداوند، تحقق کثرتی از کمالات شایستۀ بشری را در خود می تواند ببیند.

6- اعتقاد به کفایت ابزار معرفتی خود و سطحی نگری و شناخت علت ناقصه به جای علت تامه را می توان از علل یک جانبه نگری دانست.

7- اومانیسم ( به معنای اصالت انسان در برابر خدا) و تفسیر به رأی در تفسیرقرآن از جلوه های یک جانبه نگری در برابر خداوند است؛ اما لازمۀ تفسیر قرآن به قرآن یک جانبه نگری نیست.

8- امر خداوند به پیامبر به شور و مشورت با مومنان و دعوت انسانها به تفکر، تعقل، تأمل، تدبر و نظر، دعوت به به کارگیری خرد جمعی و چند جانبه نگری است.

9- یک جانبه نگری و چند جانبه نگری در یک مجموعۀ منظم که هر یک از اعضا یا اجزاء در جایگاه خاص خود در جهت برآورده شدن هدف مجموعه قرار گرفته اند موضوعیت می یابد.

10- یکی از پیامدهای خطرناک یک جانبه نگری، یک جانبه گرایی، به ویژه در مبارزه با کرونا توسط ایالات متحدۀ آمریکاست.

**منابع**

- قرآن کریم

- آیت‌اللهی سیدمهدی، 1383، چاپ اول سیری در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی، برجیس

- ابن سینا، ۱۳۷۶ ش. الالهیّات من کتاب الشّفاء، ج۱، قم چاپ حسن حسن زاده آملی

- (بل / خرمشاهى) ريچارد بل / بهاء الدين خرمشاهى، 1382، چاپ اوّل‏ درآمدى بر تاريخ قرآن، قم‏، مركز ترجمه قرآن‏

- جوادي آملي، عبدالله، دي 83، دين شناسي(سلسله بحثهاي فلسفه دين)، قم مركز نشر اسراء، چاپ سوم

- جوادي آملي، عبدالله، 1386، منزلت عقل در هندسه معرفت ديني، قم مركز نشر اسراء، چاپ اول

- جوادي آملي، عبدالله، دي 83، نسبت دين و دنيا(بررسي و نقد نظريه‌ي سكولاريسم)، نشر اسراء چاپ سوم

- حجتی سید محمد باقر، أسباب النزول، دفتر نشر فرهنگ اسلامى ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانهاي قائمیه اصفهان

- دكارت رنه، (گفتار در روش)، ترجمه محمدعلى فروغى در کتاب سیر حکمت در اروپا انتشارات کتابفروشی زوار

- راميارمحمود، 1369، تاريخ قرآن، مكان چاپ: تهران ناشر: امير كبير، ‏ نوبت چاپ: سوم‏

- رضایی اصفهانی محمدعلی، 1381، تفسیر عقلی روشمند قرآن، درجه علمی: علمی-پژوهشی قبسات شماره 23

- سبحانى جعفر، زمستان 1383، منشور جاوید1، قم چاپ مؤسسه امام صادق (عليه السلام)ناشر مؤسسه امام صادق (عليه السلام)ـ نوبت چاپ اوّل

-سبحانی تبریزی جعفر، 1382، روش صحیح تفسیر قرآن، درجه علمی: علمی-پژوهشی قبسات شماره 29

- صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، 1354، المبدأ و المعاد، تهران:‏ انجمن حكمت و فلسفه ايران.

- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۳۷ ش ، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة (سفر اول)، ج۲، تهران ، چاپ افست قم)

- طباطبائی محمدحسین، تفسیر المیزان ج 12و 18 مرکز القائمیه باصفهان للتحریات الکمبیوتریه

- طباطبائی محمدحسین، 1389، نهایة الحکمة، ج۱، قم موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

- عمید زنجانی عبّاسعلی، 1366، مبانی و روشهاي تفسیر قرآن، تهران ناشر چاپی: سازمان چاپ و انتشارات ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانهاي قائمیه اصفهان

- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۱۰/ ۱۹۹۰. المباحث المشرقیة فی علم الالهیات و الطبیعیات، ج۱، بیروت چاپ محمد معتصم باللّه بغدادی،

- فولادوند محمد مهدى، 1380، قرآن‏شناسى، ‏ ناشر: الست فردا مكان چاپ: تهران‏ نوبت چاپ: اوّل‏

- فولکیه پل، سوم بهمن 66 فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه ترجمه دکتر یحیی مهدوی، تهران انتشارات تهران

- کریمی، ۱۳۷۹، توحید از دیدگاه آیات و روایات (۲)تهران ، ناشر سپاه پاسداران

- مصباح محمدتقي، 1387، آموزش عقايد ج 1و2، چاپ و نشر سازمان تبليغات اسلامي چاپ سي‌وپنجم

- مصباح يزدى محمدتقي، 1380،‏ قرآن‏شناسى ج‏1 ناشر: موسسه آموزشى وپژوهشى امام خمينى‏ مكان چاپ: قم‏ نوبت چاپ: دوم‏

- مصباح يزدى محمدتقي، 1392، قرآن‌شناسي جلد 2 تحقيق و نگارش: غلامعلي عزيزي‌کيا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره)

- مطهری، مرتضی، 1392، مجموعه آثار. ج2، ناشر: صدرا

- مطهری، مرتضی، 1385، مجموعه آثار(۵):ناشر: صدرا

- مطهری، مرتضی، 1392، مجموعه آثار - ج 6: ناشر: صدرا

- مطهری، مرتضی، 1395، مجموعه آثار ج 13 ناشر: صدرا نوبت چاپ: 12

- مطهری، مرتضی، 1392، مجموعه آثار - ج 16: ناشر: صدرا

- مطهری، مرتضی، 1392، مجموعه آثار (انسان ‏کامل)- ج 23: ناشر: صدرا

- مطهری، مرتضی، 1393، مجموعه آثار ج 26 ناشر: صدرا نوبت چاپ: 6

- معارف، مجيد، 1383، در آمدى بر تاريخ قرآن‏، تهران‏ ناشر: نبا مكان چاپ: نوبت چاپ: اول

- معرفت محمد هادى، 1374، علوم قرآن، ترجمه التمهيد فى علوم القرآنج 3، ‏ مكان چاپ: بى‏جا سازمان تبليغات اسلامى نوبت چاپ: بى‏نا

- معرفت محمد هادى / خياط و نصيرى، 1379، تفسير و مفسران‏ 1، مكان چاپ: قم‏ ناشر: مؤسسه فرهنگى التمهيد نوبت چاپ: اوّل‏

- مکارم شیرازی، ناصر، 1353، تفسیر نمونه/ج 1، نشر: طهران. دارالکتب الاسلامیه، 1353 سرشناسه: امامی محمدجعفر، 1322 - 1387.

- مکارم شیرازي ناصر، شان نزول آیات قرآن کریم، ناشر چاپی: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام) ناشر دیجیتالی:مرکز تحقیقات رایانهاي قائمیه اصفهان

- مکارم شیرازي ناصر، ۱۳۷۷. پیام قرآن ج 1-4: مشخصات نشر: تهران: دارالکتب الاسلامیه،

- موسوي سيد مجيد، تفسیر قرآن به قرآن، منبع: سایت مغرب نبوز

- نصیرالدین طوسی محمد بن محمد، کتاب اساس الاقتباس، چاپ انتشارات، دانشگاه تهران

1. کارشناس ارشد رشته فلسفه و حکمت اسلامی از دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

   nikmaram@mailfa.com [↑](#footnote-ref-1)